دو قرن دیپلماسی ایران در مواجهه با جهان

در نکوهش انزوا

کامبیز مشتاق گوهری

اگر داریوش اول در جریان وقایع دو قرن اخیر ایران قرار داشت و از احوال این روزهای کشورمان باخبر بود، شاید دعای معروفش در تخت جمشید را این‌گونه اصلاح می‌کرد: «اهورامزدا این کشور را بپاید از سپاه دشمن، از خشک‌سالی، از دروغ و از انزوا». نیاز به تحلیل و توضیح ندارد که سه دغدغه نخست این دعا تاکنون چه اندازه توازن اجتماعی و سیاسی کشورمان را برهم زده است. اما داریوش اساسا با بلای چهارم نمی‌توانسته آشنایی داشته باشد تا که بخواهد آن را در دعایش بگنجاند. در عهد او، ایران در مرکز دنیایی قرار دارد که خود پیوندزننده کرانه‌های شرقی و غربی آن است و قریب ۴۴ درصد جمعیت انسان‌ها روی زمین را در پهنه امپراتوری‌اش جای می‌دهد؛ ازاین‌رو طبیعتا انزوا برای داریوش هخامنشی مفهومی ندارد تا بابت آن نگران باشد و به آیندگان هم در احتراز از آن هشدار بدهد. جغرافیای ایران از آغازین روزگار تأسیس این کشور اهمیت خود را بر شهریاران ایران تحمیل کرده؛ ازاین‌رو هخامنشیان نه‌تنها اولین شاهراه‌های ارتباطی دنیای باستان را با عنوان جاده‌های شاهی از شوش به پارسه و از شوش به لیدیه پی افکنده‌اند بلکه شبکه گسترده‌ای از راه‌ها، شهرها و دژهای دفاعی را نیز حول کویر مرکزی ایران و رو به دنیای پیرامونی ایران سازمان می‌دهند. همان‌طورکه شروین وکیلی در کتاب ایران تمدن راه‌ها به‌خوبی نشان داده است، تمدن ایرانی برخلاف سایر تمدن‌های هم‌عصر و پس از خود، اساسا بر پایه همین شبکه راه‌ها و شهرها پدید آمده و در طول تاریخ هم سامان و بقایش در گرو رونق این شبکه بوده است؛ به‌گونه‌ای که هرگاه این شبکه، ارتباط میان ملت‌ها و کشورهای شرق و غرب را تأمین کرده از محل آن ایران منتفع شده، در زندگی مردم ایران گشایش‌هایی رخ داده و دولت قدرتمند پهنه سرزمینی ایران را یا از منظر نفوذ و سرسپردگی فرهنگی یا از منظر جغرافیای طبیعی و سیاسی گسترش داده تا تمدن ایران بتواند به بشریت تحفه‌هایی از علم، دانش، فرهنگ و کالا عرضه کند. راه ابریشم شاید شناخته‌شده‌ترین مسیر تبادل کالا در دنیای باستان باشد که آن را از روزگار اشکانیان می‌شناسیم و در روزگار صفوی به اوج کارکرد خود می‌رسد؛ اما این راه بین‌المللی خود از دل روابط تجاری هزاران هسته خرد تمدنی برخاسته که در هزاره‌های دوم و سوم پیش از میلاد یعنی بین چهار تا پنج هزار سال پیش سراسر خاورمیانه و آسیای میانه‌را پوشانده‌اند و مراکز پرجمعیتی مانند دولت-شهرهای میان‌رودان در غرب، جیرفت و شهر سوخته در مرکز و مهرگر و بدخشان در شرق را به هم مرتبط کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که کالا و محصولات انحصاری این مراکز جمعیتی پیش از تاریخ را به لطف این شبکه ارتباطی می‌توان در بین بازمانده‌های باستان‌شناسی این مراکز جمعیتی پیدا کرد.

به عبارتی ارتباط درون‌تمدنی و برون‌تمدنی ضرورت جهان ایرانی است و برای کشور، تمدنی که بر شبکه‌ای از راه‌ها و شهرها تأسیس شده و در عین محرومیت از طبیعتی رام و شریان‌های حیات‌بخش رودهای پرآب، نظیر آنچه تمدن‌های رقیب در غرب و شرق از آن بهرمند بوده‌اند، به لطف درایت بهره‌گیری از این موقعیت جغرافیایی میانجی، نه‌تنها دچار زوال نشده بلکه غروب بسیاری از تمدن‌ها را هم دیده است. مشهور است که روزگاری کودکان در مدرسه در کتاب‌های درسی خود می‌خوانده‌اند که ایران کشور ثروتمندی است و منابع زیرزمینی و ثروت‌های طبیعی فراوان دارد اما حقیقت جغرافیای ایران چیز دیگری است. مهم‌ترین ثروت ایران با فاصله از سایر مواهب طبیعی، جغرافیای ارتباطی ایران با جهان است که در دو سده اخیر حکومت‌ها و دولت‌های وابسته به منابع طبیعی از آن غافل شده‌اند.

در هر دوره تاریخی که ارتباطات ایران با جهان اطراف برقرار بوده و ایرانیان به تجارت و کسب دانش و مهارت با دنیا در گفت‌وگو بوده‌اند، کشور ایران ثروتمند شده، مردمان بهروزند و دولت شوکت و قدرت دارد. حتی یک دوره را نمی‌توان سراغ گرفت که ایران از دنیا بریده و بی‌خبر بوده و جز پریشانی حاصلی دیده باشد. دولتیان و سیاست‌گذاران باید بر اساس احکام جغرافیا و تجارب تاریخی ایران حکمرانی کنند و نه بر اساس تجربه ملت‌ها در دیگر جغرافیاها یا آرزوهای ذهنی خویش. چند سده است که از پس غروب صفویان، بدگمانی به قدرت‌های غربی سبب شده شهریاران و حاکمان ایران مسیر تاریخی تجارت و نقش کهن میانجیگری میان شرق و غرب این کشور را رها کرده و سرنوشت این بوستان احاطه‌شده در کویر را به‌جای اتصال به شریان قنات‌های پایدار تجارت و ارتباطات بین‌المللی، به چند دَلو از منافع حاصل از منابع طبیعی ببندند. غافل از آنکه بقای بوستان ایران در این کویر خشک، به شریان‌های پایدار حیات وابسته است نه به آن چند دَلوی که تنها چندی به کار می‌آید. فروش منابع طبیعی و حتی محصولات مصنوع حاصل از آنها مانند آنچه در همه این سال‌ها از روزگار پهلوی‌ها تاکنون حکومت‌ها با نفت و مشتقات آن کرده‌اند، ممکن است چندی به کار بیاید (که البته همین هم با آن کارکرد فساد محل تردید است) اما نمی‌تواند نیاز مستمر و رو به افزایش ثروت پایدار را برای این کشور تأمین کند؛ به‌ویژه که با تغییر تکنولوژی به‌راحتی می‌توان تصور کرد چندی دیگر این منابع محدود هم بی‌حاصل باشند. مضحک آن است که کشوری کوچک با درس‌گرفتن از تاریخ ایران و با رصد فرصت‌های منطقه، این نقش بی‌بدیل ایران را بر عهده گرفته و حتی به کشور ما هم کالا ترانزیت می‌کند. بندر کوچک دوبی در امیرنشین امارات فقط بخشی از ظرفیت‌های رهاشده جغرافیای ما را در اختیار گرفته و می‌بینیم که چگونه ثروت و جمعیت جهان به آن شهر و کشور سرازیر شده است.

از جهان بریدن و به استقبال انزوا رفتن و تحریم‌ها را نعمت دانستن و مردم را سختی‌دادن که حکمرانی مسئولانه نیست. برای آنکه ایران امروز ما به گرفتاری‌های گذشته دچار نشود، چاره در رجوع به مزیت‌های جغرافیایی فلات ایران و تغییر سیاست‌های انزواطلبانه است. درست است که تحریم‌های وارده بر ایران زمینه این انزوا را فراهم آورده است؛ اما سیاست‌گذاران وطن‌دوست چرا باید در آن دام بلغزند. جنگل جهان امروز پر از صیادانی است که برای رقیبان خود تله‌ها می‌گذارند تا اگر که نمی‌توانند و نمی‌خواهند در مواجهه رودررو با آنها هزینه بپردازند، آنها را به دام انداخته، چنان گرفتار کنند تا با تقلای فراوان خود از پای درآیند. افتادن روسیه در تله جنگ با اوکراین نمونه‌ای است از آن دام‌ها که غرب برای صیدهای خود می‌گذارد.

امروز مهم‌ترین سلاح غرب سازوکارهای تحریم و انزوای بین‌المللی است. ایران این کشور کهنسال که تأسیس و بقای خود را مرهون شبکه ارتباطات و راه‌ها و شاهراه‌های تجاری می‌داند، نباید به هر قیمت در این دام انزوا بیفتد. در این تمدن و کشور که ما در آن زندگی می‌کنیم، ارتباط با جهان به‌واقع از نان شب مردمان واجب‌تر است؛ چراکه نان مردم هم در گرو همین ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. این دست ارتباطات نه در حوزه اقتصادی و سیاسی بلکه در حوزه فرهنگی و ارتباطی نیز مورد نیاز است، به این معنی که نه‌تنها باید ارتباط بانکی و تبادل کالایی ایران با جهان دوباره برقرار شود؛ بلکه باید نگرانی‌ها از گسترش فضای باز اجتماعی و فضای مجازی نیز رفع شده با نگاهی به گذار تاریخی ملت ایران و مواجهه با موج‌های عظیم فرهنگ یونانی، عرب و مغول مطمئن شد که این مردم از فرهنگ جهان اگر چیزی بگیرند، ضمن تغییر و مناسب‌سازی آن برای خود صدها محصول به آن بازخواهند گرداند.

در این روزها که رفته‌رفته امیدهای احیای برجام رنگ می‌بازد و گشایش درهای اقتصاد جهان به روی کشور زیر سایه جنگ روسیه و اوکراین غیرمحتمل می‌نماید و می‌رود تا برخی به بهانه منافع ملت، مانع تحقق توافق شده، منافع کاسبان تحریم و قدرت‌های رقیب ایران در منطقه را تأمین کنند، خوب است دوره‌ای خاص از تاریخ معاصر ایران را مرور کنیم تا ببینیم که خسارت‌های وارده به کشور از محل انزوا محدود به خسارت‌های اقتصادی نمی‌ماند بلکه می‌تواند جان عزیز بسیاری از هم‌وطنان را گرفته و سرزمین‌های بسیاری را از دست کشور به در بیاورد.

حکومت ایران در سال ۱۱۷۵ شمسی (۱۷۹۸ میلادی) به قاجاران رسید؛ طایفه‌ای ترکمن‌تبار از قزلباشان صفوی که قریب به ۱۳۰ سال بر این کشور حکم راندند و سرانجام در سال ۱۳۰۴ شمسی با اعلام انقراض قاجاریه از سوی مجلس شورای ملی تخت پادشاهی ایران را به سردار سپه واگذار کردند. اگرچه قاجاریه در واقعیت توانست پس از چند دوره آشوب و هرج‌ومرج از پایان روزگار صفویه کشور را متحد کرده، سرحدات کشور را به شمالی‌ترین و شرقی‌ترین محدوده‌های اقتدار تاریخی ایران شامل سرزمین‌های حاصلخیز و ثروتمندی در آسیای میانه، قفقاز، هرات و غرب رود سند برساند اما در خاطر عموم ایرانیان و البته به شهادت وقایع رخ‌داده در تاریخ دو سده گذشته چنان به بدنامی مشهور است که قضاوت عامه با فاصله از سایر دوره‌های تاریخی بی‌کفایت‌ترین و سیاه‌ترین حکومت‌ها را متعلق به این دوره می‌داند اما همان‌طورکه پی یر بوردیو می‌گوید هرچه در تحلیل یک محیط بیشتر پیش می‌رویم، بیشتر درمی‌یابیم که اشخاص را نباید به‌تنهایی مسئول دانست و اگرچه این امر لزوما توجیه‌کننده کنش افراد نیست اما بهتر است ببینیم چه چیز موجب شد تا ایران قاجاری با آن شروع توفانی در توسعه سرحدات، آن دست مصیبت‌ها را تجربه کند که در تاریخ ایران پژواکی پرصدا دارد؟

با پیروزی ارتش کمپانی هند شرقی بر آخرین حکومت مغول بنگال در نبرد پلسی در ۱۷۵۷ امپراتوری انگلستان تبدیل می‌شود به قدرت فائق و غالب شبه‌قاره هند و همسایه شرقی ایران. امپراتوری انگلستان در قرون هجدهم و نوزدهم در اوج قدرت و ثروت تقریبا در جهان رقیبی برای خود نمی‌شناسد و در این زمان قدرت بلامنازع دریاها و اقیانوس‌هاست. در حوالی سال ۱۹۱۳ در سرزمین‌های تحت سیطره این امپراتوری ۴۱۲ میلیون نفر زندگی می‌کنند و بریتانیای کبیر گستره‌ای نزدیک به ۳۵ میلیون کیلومتر مربع معادل یک‌چهارم کل خشکی‌های کره زمین را در اختیار دارد. در غرب ایران قاجاری می‌توان رقیب همیشگی ایران شیعی یعنی امپراتوری عثمانی را سراغ گرفت که از ۱۲۹۹ میلادی شروع به گسترش کرده و در روزگار برآمدن قاجاریه گستره‌ای قریب به ۲۰ میلیون کیلومترمربع را در اختیار دارد و با جمعیتی قریب به ۲۵ تا ۳۲ میلیون نفر که بخش عمده آن در مرزهایی غربی و جنوبی ایران استقرار یافته‌اند، به‌صورت مرتب با ایران قاجاری در کشاکش است اما در شمال ممالک محروسه، ایران با امپراتوری دیگری همسایه است که تا هنوز سایه‌اش بر سر ایران سنگینی می‌کند و دخالت‌ها و خسارت‌های زیان‌بار و متعددی برای خاک، نیروی انسانی، تلاش‌های دموکراتیک و البته حکومت‌های ایران پدید آورده است. امپراتوری تزاری روس که از ۱۷۲۱ تا ۱۹۱۷ پایدار می‌ماند، تقریبا در سراسر دوره قاجاریه همسایه ایران است. این حکومت پس از امپراتوری بریتانیا و امپراتوری مغول با ۱۲ میلیون کیلومتر وسعت چهارمین امپراتوری بزرگ از نظر اندازه سرزمین در تاریخ است و در سال ۱۹۱۴ با جمعیتی بالغ بر ۱۶۴ میلیون نفر نیز در زمره پرجمعیت‌ترین امپراتوری‌های تاریخ قرار می‌گیرد. در همین زمان که همسایه‌های ایران در همه پهنه شرقی، شمالی و غربی وسیع‌ترین و قوی‌ترین امپراتوری‌های دوران هستند، وسعت ممالک محروسه ایران در بهترین حالت تنها حدود سه‌میلیون کیلومترمربع است با جمعیتی نزدیک شش میلیون نفر.

تصویری که از ایران قاجاری در چنبره سه امپراطوری قدرتمند تاریخ معاصر به ذهن متبادر می‌شود، تنگنایی است که راه نفس را بر کشور و بر مردم ایران می‌بندد و اگرچه در آن سال‌ها هنوز سازوکاری به نام تحریم پای به عرصه نگذارده است اما فقدان جاده‌های دسترسی مناسب به آب‌های جنوبی و البته سیطره قوای نظامی انگلستان بر آن آب‌ها و قطع مسیرهای دسترسی زمینی از غرب به اروپا به‌دلیل تخاصمات مکرر ایران و عثمانی تنها راه ارتباط و تجارت ایران با غرب را به مسیری غیرمستقیم محدود می‌کند که برای تجار و بازرگانان ایرانی پر از دشواری است. این مسیر از بندرانزلی آغاز شده و به باکو در دریای خزر می‌رسد و از آنجا به بندر آستاراخان در ساحل دریای سیاه کشیده شده و سپس از طریق راه زمینی یا دریایی به اروپا ختم می‌شود. این همان مسیری است که تقریبا همه ارتباط محدود ایران با غرب برای آگاهی از تحولات علمی و فرهنگی و حقوقی و تبادل کالاهای جدید و مسافر از آن طریق ممکن می‌شده است. طبیعتا نظارت بر این کوره‌راه پرحادثه با روس‌هاست و آنچه را صلاح بدانند به ایران برسد، اجازه می‌دهند تا گذر کند و کاملا روشن است که جز طیف محدودی از کالاها و ابزارها که آن هم برای عرضه به اقلیتی از جمعیت ایران در این روزگار وارد می‌شود، چیزی از دست همسایه شمالی قسر در نمی‌رود تا بتوان با آن به نوسازی و تجهیز و تقویت کشور دست یافت. اقتصاد و فرهنگ و دانش در آن روزگار به ناچار در چرخه‌ای درون‌سرزمینی به تکرار همان مضامین محدود و غالبا سترون می‌پردازد که مایه شکست و فروپاشی صفویان شد. ۱۳۰ سال ارزشمند از تاریخ دوره گذار جهان را ایران قاجاری در بی‌خبری و بی‌حاصلی اقتصادی و علمی گذراند و هنگامی به خود آمد که جنگ‌های ۲۵ساله ایران و روس در فاصله سال‌های ۱۱۸۳ تا ۱۲۰۵ سرزمین‌های بسیاری را از ایران جدا کرد و سبب شد عباس‌میرزای ولیعهد از غصه و ننگ ازدست‌دادن خاک کشور به موسیو ژوبر، وابسته نظامی فرانسه شکایت ببرد که غربی‌ها چه دارند که ایرانی‌ها از آن بی‌بهره‌اند و او چه کند تا بتواند ملت خود را از آن خواب سنگین بیدار کند؟ فهرست سرزمین‌های جداشده از ایران قاجاری از این پس طولانی می‌شود، جدایی مرو و عشق‌آباد در عهدنامه اخال به نفع روسیه، جدایی هرات، سیستان و شرق بلوچستان تا رود سند به سود انگلستان طی عهدنامه‌ها و حکمیت‌های پاریس، مک ماهون و گلداسمیت. ضایعه ازدست‌دادن پاره‌هایی از بهترین سرزمین‌ها و نیروی انسانی کشور حاصل بی‌خبری و بی‌حاصلی جامعه ایران از تحولات و دانش و مهارت‌های در حال گسترش در دنیاست که در اثر انزوای تحمیلی میان سه قدرت رقیب آن زمان رخ می‌دهد و مهم‌ترین خطای حکمرانان قاجار را باید ناآگاهی به این خطر و بی‌عملی نسبت به رفع یا چاره آن دانست. در این میان تلخ‌ترین مصیبت روی‌داده در عهد قاجاران بیش از آنکه سرزمینی باشد، انسانی است. قحطی ویرانگر سال‌های ۱۲۴۹ - ۱۲۵۰ یک‌دهم جمعیت و قحطی ویرانگر سال‌های ۱۲۹۶ - ۱۲۹۸ به روایت‌های گوناگون بین ۲۵ تا ۴۰ درصد جمعیت کشور را به کام مرگ می‌کشاند. در تکمیل این پازل ویرانی و پریشانی، بیماری‌های همه‌گیر نظیر آبله، طاعون، تیفوس و آنفلوانزای اسپانیایی هم میان ایرانیان کشتار می‌کند و ایرانی غرق در خرافات حتی آن زمان که درمانی برای این دردها پیدا می‌شود از پذیرش آن سر باز می‌زند. ایران در اسارت عقب‌افتادگی، خرافات و اعتیاد و ادبار به چنان نکبتی می‌افتد که بیگانه و هم‌وطن به اصلاحش امید ندارند و منتظرند تا کی این بیمار کهن‌سالِ فرتوت قالب تهی کند تا هر گروه و جمعیت پاره‌ای به چنگ آورند. تباهی ایران در این انزوا چنان بالا می‌گیرد که در روزگار آخرین شاه قاجار در هر گوشه کشور سرداری یا سربازی جداسری اختیار می‌کند و برای خود حکومتی تشکیل می‌دهد. سرنوشت ایران البته آن نشد که بیم آن می‌رفت ولی آنچه این کشور را با وجود سال‌ها پایداری و پویایی در آن دوره تا آستانه زوال و اضمحلال تمدنی برد نه استبداد، نه خرافات، نه اعتیاد و ادبار بلکه به یقین بی‌خبری و ناآگاهی از جهان درحال گذار و رکود تجارت و افول صنعت در کشور بود که همگی ناشی از خفقان حاصل از چنبره آن سه امپراتوری قرن نوزدهمی بر گرد ایران حاصل می‌شود و استبداد و خرافات و اعتیاد و ادبار نیز خود از نکبت این انزوا قوت و شدت می‌گیرند. در این روزگار که سرعت تحول دانش و تکنولوژی لحظه‌ای است و در کمال شگفتی در کسری از یک سده می‌توان با بهرمندی از درهم‌تنیدگی‌های جهانی‌سازی، ملتی را از خاک سیاه برکشید و به جمع کشورهای توسعه‌یافته صنعتی ارتقا داد یا صدها میلیون نفر را در یکی، دو دهه از فقر رهانید. هرگونه تن‌دادن به تحریم و محروم‌کردن کشور و مردم آن از مواهب جغرافیایی میانجی که می‌تواند منابع انرژی و کالا و مواد اولیه را از طریق خطوط لوله و شبکه‌های ریلی و جاده‌ای به شمال و جنوب و شرق و غرب برساند، پذیرفتن ویرانی زندگی حال و آینده میلیون‌ها ایرانی مستحق کرامت و منزلت است. از سویی دیگر بستن، محدودکردن یا مشروط‌کردن بهرمندی ایرانیان به‌ویژه جوانان از دریچه ارتباطی با جهان درحال گذار موجب تشدید بی‌خبری و بی‌عملی مردم و نسل‌های آینده است. از آنچه از دانش و سیاست و فرهنگ و هنر که در دنیا و به‌طور مشخص در کشورهای صنعتی می‌گذرد و به‌یقین دودش در چشم ایرانیان و هر آن کسانی می‌رود که در این کشور مسئولیت اجرائی و ارشادی دارند.

تحریم‌های ایران تمرینی برای تحریم قدرت‌های رقیب غرب بوده است که با ارزیابی تأثیر حداکثری آنها ابزار بی‌هزینه غرب برای به‌زانودرآوردن رقبای تاریخی خود است. امروز می‌بینیم تنها سلاح و مؤثرترین آنها در مواجهه با روسیه در جبهه اوکراین همین نظام تحریم‌های جهانی است. این تحریم‌ها می‌توانند و باید پایان یابند. امروز که مختصات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ما به سعی عده‌ای بیشترین شباهت را با گذشته پیدا کرده است، باید به گذشته نگاهی انداخت و درس گرفت. ۴۰ سال تحریم‌های کمرشکن، کشوری را که ماهیت وجودی‌اش ارتباط و تعامل با جهان است، از نظر ثروت، دانش، اخلاق و هنر و فرهنگ فقیر کرده است. دولت ایران نباید با استقبال از تحریم به تله انزوای خودخواسته‌ای بیفتد که نتیجه‌اش با مرور چند دهه گذشته رکود علمی، اقتصادی و فرهنگی کشور است.

جدول ۴۲۵۱ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- از ادات پرسش- از غذاهای محلی کردستان ۲- جانوری بی‌مهره با بدن بندبند- نشان تجاری کالا- پیشین ۳- درد و رنج- زاده چهارپایان- محیط مصنوعی برای کشت گیاهان ۴- چاشنی غذایی- ماترک به او می‌رسد- خیمه ۵- حادثه ناگهانی- اصل و نسب- نوعی بیماری ویروسی که سیستم دفاعی بدن را مختل می‌کند ۶- بلندقامت- عقیده- وسطی ۷- شجاع- فروغ و پرتو- تکرار حرف دوم ۸- به‌صورت عمده- مجاورت- آزاد ۹- شب روستایی- ریاکاری و تزویر- برتری مقام و موقعیت ۱۰- لبه تیز شمشیر- آفریدگار- خمیده ۱۱- زائده سر بندپایان- زبان آذری- ناز و غمزه ۱۲- زبانی از شاخه زبان‌های سامی- سرمشق- به دنیا آوردن ۱۳- ترس‌آور- نوعی میمون- بستنی چوبی ۱۴- پوست درخت خرما- رمزها- نوعی خط نوشتاری اسلامی ۱۵- از پرطرفدارترین نویسندگان سال‌های اخیر در ژانر وحشت و فانتزی و خالق رمان درخشش- توهین‌آمیز

عمودی:

۱- ماهیچه‌ای بزرگ در جلو و طرفین ران- پیشوای دینی مسیحیان- به هوش باش ۲- شاه اسماعیل صفوی به کمک این طایفه به قدرت رسید- در را به چارچوب متصل می‌کند- هم‌داستان رامین ۳- تله- نوزاد- ناسازگاری ۴- تکرار حرفی- همبستگی- مکنده ۵- پشتیبان- شرط‌بندی- همراه پشتک ۶- تیغ موکت‌بری- سر بریده- از نژادهای اسب اصیل ایرانی ۷- میان‌ها- اتومبیل مسافربر عمومی- قورباغه ۸- نوعی ظرف سفالی پرمصرف در گیلان- از دوره‌های زمین‌شناسی- بت عصر جاهلیت ۹- راهی که به آخر نمی‌رسد- اهل ساری- ضرر ۱۰- از درجات نظامی- فوت و فن- عظیم ۱۱- چند وکیل- بلند و والا- نابینایی ۱۲- الهی- از انواع حج- از حروف مقطعه قرآن ۱۳- درختی با گل‌های خوشه‌ای خوشبو- اصلاح عکس پس از ظهور- مقعر ۱۴- خاخام- دم گوسفند- بارکد ۱۵- رها و آزاد- مثل ماه شب چهارده- فصل بهار

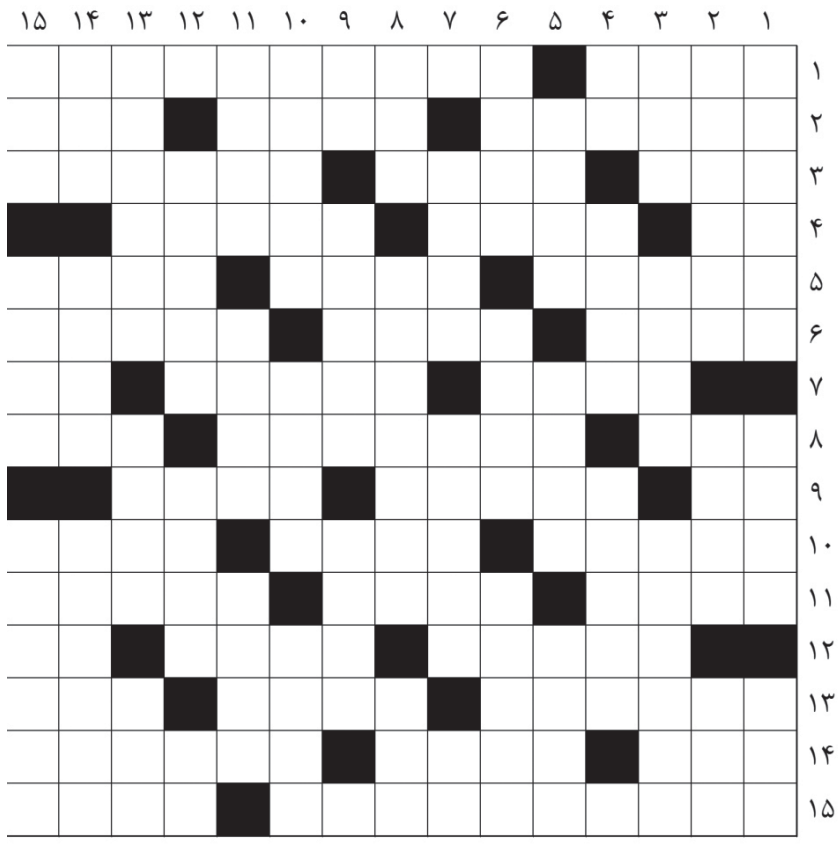

حل سودوکو سخت

۸	۷	۴	۹	۶	۵	۳	۲	۱
۶	۵	۲	۱	۷	۳	۸	۴	۹
۹	۳	۱	۴	۲	۸	۵	۷	۶
۷	۶	۵	۸	۳	۲	۱	۹	۴
۴	۸	۹	۵	۱	۷	۶	۳	۲
۲	۱	۳	۶	۴	۹	۷	۵	۸
۱	۴	۷	۲	۵	۶	۹	۸	۳
۵	۹	۶	۳	۸	۴	۲	۱	۷
۳	۲	۸	۷	۹	۱	۴	۶	۵

حل سودوکو ۳۲۴۶

۱	۷	۲	۳	۸	۴	۵	۶	۹
۳	۹	۵	۶	۷	۲	۴	۱	۸
۴	۸	۶	۹	۵	۱	۳	۷	۲
۸	۶	۳	۲	۴	۷	۹	۵	۱
۹	۲	۷	۵	۱	۶	۸	۳	۴
۵	۴	۱	۸	۹	۳	۷	۲	۶
۷	۵	۹	۱	۶	۸	۲	۴	۳
۲	۱	۴	۷	۳	۹	۶	۸	۵
۶	۳	۸	۴	۲	۵	۱	۹	۷

حل جدول ۴۲۵۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ک	ا	ر	ش	ن	ا	س	ی	ا	ر	ش	د	■	ا	ی
۲	ب	ق	ی	ه	■	م	د	ا	م	■	ا	ک	ت	ف	ا
۳	ک	ت	■	س	ن	ج	ر	■	ا	ت	ل	ل	و	■	س
۴	■	د	ا	و	و	د	■	ه	ن	ر	ی	■	ر	م	ی
۵	س	ا	و	ا	ر	ک	■	ل	ا	ی	ی	■	ب	ن	ش	ن
۶	ر	■	ا	ر	م	غ	ا	ن	■	ت	ن	ا	س	ا	■
۷	ز	ی	ر	ا	د	ا	ر	ی	ن	■	ا	ب	ل	ه	ی
۸	د	ز	■	پ	ا	ر	و	■	ع	ص	م	ت	■	د	ه
۹	ه	د	ب	ن	د	■	س	ا	ن	ح	ه	■	س	ه	و
۱۰	■	ا	ی	ک	ی	و	■	ک	ا	ف	ر	و	ن	■	د
۱۱	م	د	ر	ک	■	ج	م	ی	ع	■	س	ا	ت	ن	ا
۱۲	ز	ی	ج	■	م	و	ا	د	■	س	ا	و	ی	ز	■
۱۳	م	■	ن	م	و	د	ن	■	خ	و	ن	ی	■	ا	س
۱۴	ز	ن	د	ک	ی	■	ت	ر	و	ا	■	ل	ی	ک	ن
۱۵	ه	م	■	ا	ز	گ	و	ر	ب	ر	خ	ا	س	ت	ه

سودوکو سخت ۳۲۴۷

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۸	۷				۲
۴			۳			۵	۹	
			۱			۷	۳	
۱							۲	
		۹	۲		۶	۸		
	۲							۳
	۱	۶			۷			
	۵	۸			۱			۶
۲				۹	۸			

سودوکو ساده ۳۲۴۷

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۹	۶				
۷	۲		۳		۱			۹
		۵		۴	۷		۱	
	۴	۷						۵
		۹	۴		۶	۸		
۸						۳	۲	
	۹		۷	۱		۲		
۱			۶		۴		۳	۷
				۳	۵			